

همن منخبرانی آقای محمود سرشار و کیل داد گستری و عضو هیئت مدیره انجمن طرفداران سازمان ملل متحد و عضو هیئت مدیره کانون و گلاب داد گستری و رئیس کانون هدایت افکار که بمناسبت جشن روز حقوق بشر در رادیو تهران ابراد کرده اند

روز حقوق بشر

سازمان ملل متحد در مجمع عمومی ۱۹۵۰ از کشورها و سازمانهای وابسته بان دعوت نموده بود که دهم دسامبر هر سال را روز حقوق بشر دانسته و آنرا بمنزله یادبود اعلامیه جهانی حقوق بشر که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی ملل متحد مورد قبول واقع شده بود قرار دهند.

اساس آزادی - عدالت و صلح عالم متکی به شناسائی حیثیت و شرافت کلیه افراد خانواده انسانی و تساوی حقوق آنان میباشد اعلامیه حقوق بشر به ۴۹ زبان که اکثریت زبانهای عالم را تشکیل میدهد نوشته شده است که بشرح زیر میباشد.

- ۱ - آلمانی ۲ - انگلیسی ۳ - عربی ۴ - آسامی ۵ - باسک ۶ - بنگالی ۷ - بیرمانی
- ۸ - چینی ۹ - سینکالی ۱۰ - کره ۱۱ - دانمارکی ۱۲ - اسپانیولی ۱۳ - اسپرانتو ۱۴ - فنلاندی ۱۵ - فرانسه ۱۶ - گالوا ۱۷ - یونانی ۱۸ - گورموخی ۱۹ - عبری ۲۰ - هندی
- ۲۱ - هلندی ۲۲ - اندونزی ۲۳ - ایرلندی ۲۴ - ایسلندی ۲۵ - ایتالیائی ۲۶ - ژاپنی
- ۲۷ - خمری ۲۸ - مقدونیه ای ۲۹ - مالایا ۳۰ - مائوری ۳۱ - نروژی ۳۲ - اردو ۳۳ - فارسی ۳۴ - پرتغالی ۳۵ - پشتو ۳۶ - روسی ۳۷ - ساموآئی ۳۸ - کروآت ۳۹ - اسلواک
- ۴۰ - اسلونی ۴۱ - سوئدی ۴۲ - تاگالوگ ۴۳ - تامیلی ۴۴ - چک ۴۵ - تلوگو ۴۶ - تائی ۴۷ - ترکی ۴۸ - ویتنامی ۴۹ - سربی.

حال باید دید که این حقوق و آزادیها از چه منابعی تولید شده است. از دیر زمانی بین افراد ملل با حکومتهای خود همواره کشمکش هائی برای بدست آوردن حقوق و آزادی و جلوگیری از ظلم و بیادگری وجود داشت تا اینکه پس از قرنها در انگلستان در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۲۱۵ منشور بزرگی برای تثبیت آزادیهای ملت اعلام گردید بعد در ۷ ژوئن ۱۶۲۸ مجدداً از طرف ملت انگلیس تقاضای یک سلسله حقوق و آزادیهای دیگری شد و متعاقب آن در ۱۳ فوریه ۱۶۸۹ طرح قانونی آن از طرف مجلس ملی تصویب شد.

سپس مستملکات انگلیس در امریکا در ۱۷۷۶ - ۱۷۸۹ شورش عظیمی برای بدست آوردن حقوق و آزادی خود نمودند و بالنتیجه با شرکت اتحادیه ها اعلامیه صادر نمودند که برای کلیه افراد سرزمین خود یک رشته حقوق طبیعی بشری قائل گردیدند و کلیه آزادیهای ضروری را در آنجا ذکر کردند که تا بحال ساری و جاری است و مقامات دولتی و حکومتی آنجا نتوانسته اند آنها را از قوانین اساسی خارج نمایند :

در فرانسه در نتیجه تأثیر نوشتجات عده از نویسندگان و فلاسفه از قبیل :

لاک فیلسوف انگلیسی (قرن ۱۷) - منتسکیو و ژان ژاک روسو فرانسوی در قرن ۱۷ - ولف آلمانی در قرن ۱۸ - انقلاب کبیری در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ شروع شد و نتیجتاً حقوق و آزادیهایی برای افراد بنام اعلامیه حقوق بشر و افراد ملت فرانسه وضع گردیده و در سرلوحه قوانین اساسی آن کشور قرار گرفت.

بعد از آن ممالک دیگر بمقتضای تکامل و مقتضیات تاریخی ورژیمهای حکومتی خود اغلب از این حقوق و آزادیها را در قانون اساسی خود وارد نمودند از قبیل :

سوئد در سال ۱۸۰۹ - اسپانی ۱۸۱۲ - نروژ ۱۸۱۴ - بلژیک ۱۸۳۱ - دانمارک ۱۸۴۵ - پروس ۱۸۵۰ - سویس ۱۸۷۴ - بلغارستان ۱۸۷۹ - ژاپن ۱۸۸۹ - ایران ۱۹۰۴ - لیبیا ۱۹۰۷

تا اینکه جنگ بین المللی اول (۱۸ - ۱۹۱۴) پیش آمد و پرزیدنت ویلسن رئیس جمهور امریکا در ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۶ در نطق خود چنین گفت :

هر مملکتی میتواند حکومت خود را روی افکار عمومی و اراده ملی قرار دهد و اصل حاکمیت ملی را مستقر سازد .

بعد از خاتمه جنگ اکثر از ممالک عالم رژیم سیاسی حکومت و قوانین اساسی خود را بمقتضای روز و پیشرفت تمدن تغییر داده و در آن قوانین یک قسمت از اعلامیه حقوق بشر و اصول مربوط بحاکمیت ملی را در قوانین اساسی خود داخل نمودند از قبیل :

آلمان در ۱۱ اوت ۱۹۱۹ اطریش اول اکتبر ۱۹۲۰ هنگری ۱۹۳۰ اتحاد جماهیر شوروی ۳۱ ژانویه ۱۹۲۴

و نیز در نتیجه جنگ جهانی اول ممالک جدیدی پا بر صه وجود گذاردند که آنها نیز قسمتی از حقوق و آزادیهای بشری را در قانون اساسی خود وارد کردند :

لهستان ۱۷ مارس ۱۹۲۱ یوگوسلاوی ۲۸ ژوئن ۱۹۲۱ چکوسلواکی ۱۹ فوریه ۱۹۲۰ رومانی ۲۹ مارس ۱۹۲۳ لتونی ۱۵ فوریه ۱۹۲۲ لیتوانی اول اوت ۱۹۲۲ استونی ۱۴ ژوئن ۱۹۲۰ عراق ۱۹۳۰ .

ممالک دیگری نیز قوانین اساسی جدیدی بمقتضای افکار روز و توجه بحقوق بشر برای خود تدوین نمودند مانند :

ترکیه ۱۹۲۸ جمهوری چین ۱۹۳۱ افغانستان ۱۹۳۱ سیام ۱۹۳۲ مصر ۱۹۳۱ .
مجمع اتفاق ملل عم که در نتیجه عهدنامه و رسای و سواد ۱۴ گانه ویلسن

متن سخنرانی آقای محمود سرشار وکیل دادگستری

در ۱۹ ژانویه ۱۹۲۰ تأسیس شده بود مقداری از حقوق بشر را در جزو اساسنامه مجمع اتفاق ملل قرارداد ولی در عین حال در بعضی از ممالک مانند ایتالیا در ۱۹۲۲ (پیراهن سیاهان) کمال آتاتورک در ترکیه ۱۹۲۳ هیتلر در آلمان ۱۹۳۴ پریمود وریورا در اسپانی ۱۹۳۱ سالازار در پرتغال ۱۹۳۳ در یونان - آلبانی - لهستان - بلغارستان در سال ۱۹۲۶ مقدار زیادی از حقوق و آزادیهای بشری را زیر پا گذارده و نقض کردند .

در کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی مقداری از این حقوق و آزادیهای بشری بتدریج داخل در قوانین اساسی گردید از قبیل : کوبا ۱۹۴۰ دمی نی کن ۱۹۴۲ نیکاراگوا ۱۹۳۹ پاناما ۱۹۴۱ پارا گوی ۱۹۴۰ سان سالوادور ۱۹۳۹ کستاریکا ۱۹۳۲ برزیل ۱۹۴۶ .

بعدها که جنگ دوم جهانی پیش آمد در منشور اتلانتیک در اوت ۱۹۴۱ - اعلامیه ملل متحد در اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلامیه ۴ دولت در مسکو اول نوامبر ۱۹۴۳ - اعلامیه تهران ۲۶ دسامبر ۱۹۴۳ - پیام روزولت رئیس جمهور فقید امریکا در مورد آزادیهای چهارگانه در فوریه ۱۹۴۱ طرح دوسبارتن اوکس ۱۱ اوت و ۷ اکتبر ۱۹۴۴ - کنفرانس یالتا فوریه ۱۹۴۵ کنفرانس شاپول تیک در مکزیک ۱۹۴۵ - اعلامیه فیلادلفی - سازمان حقوقی امریکا - مجمع آزادیخواهان امریکا - مجامع روحانی امریکا در ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ اشاراتی نیز راجع بحقوق بشر شده است .

کنفرانس سانفرانسیسکو که منشور ملل متحد در آنجا تدوین یافت و در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ تشکیل و در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ مورد تصویب واقع شد در تمام این موارد صحبت از آزادیهای افراد حقوق بشر بود و در متن منشور ملل متحد گنجانده شده

ممالک جدید التأسیس هم پس از جنگ دوم جهانی در قانون اساسی خود اعلامیه حقوق بشر و آزادیهای افراد را ذکر نمودند از قبیل :

سوریه ۱۹۴۵ - لبنان ۱۹۴۶ - هاشمی اردن ۱۹۴۶ - بیرمانی ۱۹۴۷ پاکستان ۱۹۴۹ - هندوستان ۱۹۴۹

بنابراین فعلا کشورها و نقاطی که حقوق بشر را قبول کرده و کم و بیش در قوانین اساسی خود گنجانده اند شرح زیر میباشد :

آرژانتین - استرالیا - اتریش - افغانستان - بلژیک - اتحاد جماهیر شوروی - بیرمانی - بلوی - برزیل - کانادا - سیلان - شیلی - کلمبیا - کره - کستاریکا - کوبا - دانمارک - دومینیکن - مصر - ایران - اکوآتر - اتازونی - اتیوپی - فنلاند - فرانسه - یونان - گواتمالا - هائیتی - هنگری - هندوراس - هندوستان - اندونزی - عراق - ایرلند - ایسلند - ایتالیا - ژاپن - هاشمی اردن - لبنان - لیبی - لیشتین اشتین - لوکزامبورگ - مکزیک - موناکو - مغولستان - نیکاراگوا - نروژ - زلاندجید - پاکستان - پاناما - پاراگوی - هلند - فیلیپین - لهستان - پرتغال - رومانی - انگلیس و ایرلند - سالوادور - سار - سوئد - سویس - سوریه - چکوسلواکی - تایلند - ترکیه - اوکرائنی - اتحادیه جنوب افریقا - اروگوئه - ونزوئلا - بوگوسلواکی .

اعلامیه حقوق بشر از ۱۹۵۰ با اینطرف موجب پیشرفت ترقیات سیاسی - اقتصادی

من سخنرانی آقای محمود سرشار وکیل دادگستری

اجتماعی و فرهنگی در بعضی از نقاط و اراضی تحت قیمومت و غیر مستقل شده است که بشرح ذیل میباشد .

نواحی و اراضی تحت قیمومت

- ۱ - کابرون تحت قیمومت فرانسه و انگلیس
- ۲ - توگو تحت قیمومت فرانسه و انگلیس
- ۳ - رواندا اوروندی تحت قیمومت بلژیک
- ۴ - تانگانیکا تحت قیمومت انگلیس
- ۵ - ساموا تحت قیمومت زلاند جدید
- ۶ - پاپوآزی و گینه جدید و نورو تحت قیمومت استرالیا

نواحی و اراضی غیر مستقل و تحت الحمايه

- ۱ - آلاسکا - هاوانی - پورتوریکو و جزایر ویرژ تحت حمایت امریکا هستند .
- ۲ - زنگبار - سیرالئون - نیجریا - کنیا - ساحل طلا - قبرس و عدن تحت حمایت انگلیس میباشد .
- ۳ - سومالی تحت حمایت ایتالیا میباشد .
- ۴ - گرئونلاند تحت حمایت دانمارک میباشد .
- ۵ - کنگو بلژیک .
- ۶ - افریقای غربی فرانسه از قبیل گابون - کنگو وسطی - اوپانگی شارل - چاد - افریقای استوائی فرانسه مانند سنگال - موریتانی - گینه فرانسه - ساحل عاج - داهومی - تونس - مراکش - الجزیره .
- ۷ - مستملکات پرتقال در افریقا از قبیل جزایر آسور - مادر - موزامبیک - دماغه سبز - گینه پرتقال - آنگولا .
- ۸ - مستملکات هلند در گینه جدید .
- ۹ - جزایر کوک و توکلو تحت حمایت زلاند جدید .

در مقدمه اعلامیه حقوق بشر چنین اشاره شده که کنیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهند که از این عبارت چنین استفاده میشود که حفظ و نگهداری صلح نتیجه احترام حقوق بشر و آزادیها بوده و روز دهم دسامبر هر سال هم بمنزله تذکری است که ما را به توسعه و بسط آن متوجه نموده و هدفی است که برفوق تمایل عموم صورت گرفته و به اجتماع بین المللی که بر اساس عدالت استوار شده است کمک بسزائی کرده و صلح عمومی را از هر حیث و از هر جهت تضمین مینماید و ضمناً بما یاد آوری میکند که باید بدون وقفه در مبارزه برای نگهداری صلح ملزم و کوشا باشیم زیرا علاوه بر اینکه کمال مطلوب ما بوده از شرایط لازمه استفاده کامل حقوقی برای نیل بمقام انسانی نیز محسوب خواهد شد .

متن سخنرانی آقای محمود سرشار وکیل دادگستری

در این چند سال اخیر که بزمحت ربع قرن را تشکیل میدهد تحولات زیادی در افکار بشر پیدا شده که در اعلامیه حقوق و قوانین اساسی و سایر قوانین مشتمل بر کشورهای متعکس گردیده است .

در اغلب از قوانین اساسی کشورها فهرستی از اصول و از آزادیهای فردی مندرج گردیده و بمنزله آئینه‌ای است که معرف درجه تمدن آنکشور بوده و یگانه عاملی است که هر اجتماعی را بسوی کمال میرساند .

اگر با کمال دقت بنهرست اعلامیه حقوق انگلیس و امریکا و اعلامیه ۱۷۸۹ مراجعه شود و آنها را با اعلامیه حقوق بشر که اخیراً بدون گشته مقایسه نمائیم بخوبی مشهود میگردد که تفاوت و اختلاف زیادی هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت بین آزادیها و انواع آن موجود میباشد .

پیروان مکتب اصالت فرد را عقیده بر این است که کلیه حقوق و آزادیهای بشر سبقت بر اجتماع داشته و قبل از تشکیل جامعه موجود بوده است .

در صورتیکه عقیده اصالت اجتماع مخالف عقاید دسته اول بوده و افراد را آلتی بیش در دست حکومتها و دولتها نمیدانند .

پریزیدنت روزولت رئیس جمهور فقید امریکا در ۶ ژانویه ۱۹۴۱ اظهار داشته که آزادی عبارت از حقوق حقوق بشر در کایه شئون و شقوق آن میباشد .

موقعیکه در مسکو چهار دولت بزرگ برای تشکیل کنفرانس شرکت کرده بودند لزوم تأسیس سازمان بین‌المللی را روی اصل تساوی حاکمیت تمام کشورهای صلحجو اعم از بزرگ و کوچک ضروری دانسته مشروط بر اینکه طرفدار و پشتیبان صلح و امنیت بین‌المللی باشند و کارشناسانی هم از طرف این کشورها در دبارتن اوکس در اکتبر ۱۹۴۴ برای بحث و مذاکره جمع شدند و طرح سازمان بین‌المللی را در آنجا تنظیم نمودند .

اساس عدالت و صلح و آزادی بستگی باشناسائی حیثیت و شرافت افراد خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان داشته و ظهور جنگ و جدال و عصیان مولود تحقیر و عدم شناسائی حقوق بشر بوده و کمال مطلوب بشر این است که دنیائی بوجود آید که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند .

اطباء حاذق و معالجان مشفق که رشته مزاج اجتماع در دست آنان است چنین نسخه علاج داده‌اند که جزء از طریق اجرای قانون راه دیگری برای حمایت حقوق انسانی نبوده و قانون فقط یگانه وسیله‌ایست که در سایه آن میتوان بر علیه بی‌عدالتی و تجاوزات بحقوق بشری قیام و اقدام نمود.

چون حصول و تضمین این امر مهم بانوسعه روابط دوستانه بین‌المللی صورت میگیرد باید کلیه افراد ملل را تشویق و ترغیب نمود تا حسن تقاهم مشترکی نسبت بحقوق بشری و آزادیها اتخاذ گردد تا با همکاری سازمان ملل متحد بتوان موجبات رعایت

واقعی تأمین این اصول را فراهم نمود زیرا کلیه افراد ملل متحد ایمان خود را بحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق درمنشور ملل متحد اعلام داشته و ملزم گردیده‌اند که در پیشرفت آن نهایت درجه کوشش و مجاهدت را بعمل آورده تا در محیط آزادتری وضع زندگی بهتری بوجود آید .

این اعلامیه آرمان مشترکی برای کلیه مردم جهان و تمام ملل بوده تا افراد و کلیه ارکان اجتماع مفاد و مدلول آنرا مطمح نظر خود قرار داده و کوشش کنند که در سایه تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادیها بسط و توسعه یافته و باتدبیر تدریجی ملی و بین‌المللی شناسائی و اجرای واقعی و حیاتی آنها را چه از میان خود ملل عضو چه در میان مللی که عضویت ندارند و چه در بین افرادکشور هائی که در قلمرو آنها میباشد تأمین گردد .

اینک بشرح اهم حقوقیکه مورد تصویب سازمان ملل متحد واقع گردیده می‌پردازیم:

- ۱- تساوی حیثیت و حقوق بشر و آزادی آن .
- ۲- کلیه افراد بشر بدون هیچگونه تفاوتی میتوانند از هر حیث و از هر جهت از کلیه حقوق و آزادیهای مندرجه در اعلامیه جهانی حقوق بشر مستفید و بهره‌مند گردند .
- ۳- حق استفاده از آزادیها و امنیت شخصی .
- ۴- الغاء کلیه شکنجه و آزار و مجازاتها و اعمالی که منافی انسانیت و عدالت و شئون و حیثیات بشری میباشد .
- ۵- تساوی حقوق برای کلیه افراد و جلوگیری از تبعیض .
- ۶- حق مراجعه تمام افراد بهحاکم عمومی در مورد تجاوز بحقوق آنان که در قانون اساسی و قوانین دیگر مندرج است .
- ۷- هیچکس را نمیتوان خودسرانه حبس و توقیف و تبعید نمود .
- ۸- تساوی افراد در محاکمات بوسیله محاکم مستقل علنی و قانونی .
- ۹- عموم افراد جوامع بشری مبری و بیگناه محسوب میشوند مگر اینکه از محاکم قانونی حکم قطعی علیه آنها صادر شده باشد .
- ۱۰- مجازات باید بموجب قانون ملی و بین‌المللی که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد اعمال گردد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود .
- ۱۱- جان و مال و مسکن و شرف و امور خانوادگی و مکاتیب عموم افراد مصون از هر نوع تعرض است .
- ۱۲- اختیار تعیین مسکن و آزادی عبور و مرور و مسافرت اعم از داخله و خارجه برای عموم افراد .

متن سخنرالی آقای محمود سرشار وکیل دادگستری

- ۱۳ - حق پناهندگی در ممالک خارجه برای فرار از تعقیب شکنجه و آزار از نظر جرائم سیاسی
- ۱۴ - حق قبول تابعیت و ترك آن .
- ۱۵ - خانواده ركن طبيعى و اساس اجتماع است و حق دارد از حمايت جامعه و دولت بهره مند شود .
- ۱۶ - حق مالكيت برای عموم .
- ۱۷ - حق آزادی فكر و عقیده .
- ۱۸ - حق آزادی بیان .
- ۱۹ - آزادی مجامع .
- ۲۰ - حق شركت در انتخابات اداره عمومي امور کشور مستقيم يا غير مستقيم .

۲۱ - حق اشتغال بمشاغل عمومي کشور با تساوی شرایط .

۲۲ - انتخاب عمومي و آزاد و مساوی و مستقيم با رأی مخفي .

۲۳ - حق استفاده از امنیت اجتماعي و حقوقی و اقتصادی و فرهنگی جامعه در سایه مساعی ملی و همکاری بین المللی .

۲۴ - حق آزادی کار بدون تبعیض و دریافت اجرت منصفانه و رضایتبخش برای تأمین زندگی خانواده در سایه حمايت اجتماع مخصوصاً در مواقع یكاری .

۲۵ - حق مرخصی با استفاده حقوق برای تفریح .

۲۶ - حق استفاده كامل و مناسب با شئون خانوادگی از بیمه های اجتماعي مخصوصاً در مورد یكاری و تقص اعضا، و بیماری و بیوه گی و پیری و سایر حوادث و سوانح خارج از اراده انسان كه وسایل معاش او از دست رفته باشد .

۲۷ - حق مراقبت کودکان و مادران از طرف اجتماع .

۲۸ - حق استفاده از آموزش و پرورش تا حدود ابتدائی و حرفه ای بنحو مجاني و بسط تعلیمات عالیه و لزوم مراقبت در آموزش و پرورش برای تأمین شخصیت انسانی و تقویت و احترام حقوق و آزادیهای او برای حسن تفاهم جوامع بشری و حفظ صلح ملل .

۲۹ - حق استفاده از آثار علمی و هنری و فرهنگی برای عموم افراد .

۳۰ - هر کس در مقابل آن جامعه وظیفه دار است که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد .

۳۱ - هر کس از اجرای حقوق و استفاده از آزادیهای خود فقط تابع محدودیتهائی است که بوسیله قانون منحصر بمنظور شناسائی و مراعات حقوق و آزادیهای دیگران و رعایت مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط يك جامعه دموکراتیک وضع گردیده است .

در حال درمشور سازمان ملل متحد که روز ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو امضاء شده و ۱۲ شهریور ماه ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی ایران آنرا تصویب نموده در مقدمه و ماده یک آن این عبارت درج گردیده است که ما مردم ملل متحد برای اعلام مجدد ایمان خود بحقوق اساسی بشر و به حیثیت انسانی و تساوی حقوق بین مرد و زن و همچنین بین ملتها اعم از کوچک و بزرگ قیام و اقدام نموده و برای تحقق این اصل و این مقاصد تشریک مساعی مینمائیم و نیز همکاری بین المللی که جنبه اقتصادی یا اجتماعی یا فرهنگی و یا انسان دوستی دارد و یاتوسعه و تشویق احترام حقوق انسان و آزادیهاییکه برای عموم اساسی میباشد بدون تمایز نژاد جنس و زبان و مذهب عملی سازیم و در مواد ۱۳ - ۵۵ - ۶۲ - ۷۵ منشور هم تأمین احترام واقعی حقوق بشر و آزادیهای را که برای همه کس اساسی میباشد یکی از وظائف مهمه مجمع عمومی - شورای امنیت - شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون بین المللی قیومت قرار داده است - ولی متأسفانه تصمیمات متخذه از طرف شعب مختلفه سازمان ملل متحد در مورد نقض حقوق مزبور به فائد ضمانت اجرائی میباشد زیرا وظیفه آنان عبارت از توصیه بکشورهای است که این اصول را نقض مینمایند ولی اگر دولت و حکومتی نسبت به توصیه های اعتنا باشد و بافکار جهانی توجه نماید بهمان حالت باقی خواهد ماند و سازمان هم به نقض حقوق یکفرد که مورد تعرض بوده و راه تعقیب داخلی هم به روی او بسته شده است رسیدگی نمی نماید مگر اینکه حقوق عده معتناهی از افراد در معرض خطر قرار گیرد در این صورت شورای امنیت در صورت عدم اجراء تصمیمات سازمان برای رفع آن این اقدامات را خواهد نمود :

محاصره اقتصادی کلی و جزئی - قطع رابطه سیاسی - استعمال قوا و نیز شورا به مجمع عمومی سازمان توصیه مینماید که عضو مقصود از حقوق و امتیازات که باید یک عضو مجمع داشته باشد بطور کلی محروم نماید در حال چون سابقاً کایه اجتماعات کشورها با همدیگر برای حل مسائل مختلفه فیه بین دولتها بود و امروز در نتیجه تکامل مجامع بین المللی دامنه عملیاتشان وسیعتر گشته و نسبت به حقوق افراد بشر و آزادیها رسیدگی مینمایند همین تحقیرها و نقضهای حقوق ایجاب نمود که اعلامیه مفصل و جامعی در قسمت حقوق بشر و آزادیهای او که مورد موافقت تمام نمایندگان کشورها قرار گیرد تنظیم گردد اگر خدای نکرده حقوق بشر از طرف سازمان ملل متحد تأمین نگردد و این سازمان هم مانند

مجمع اتفاق ملل دچار ناتوانی شود همین ناتوانی وعدم قدرت هم برای تأمین این منظور به منزله نقض تعهد بوده و جنگهای خطرناکی را برای بشر ایجاد خواهد نمود.

برای اینکه کلیه این حقوق و آزادیها که از وظائف سازمان ملل متحد است ضمانت اجرایی داشته باشد باید در کنفرانسی که به منظور جرح و تعدیل و تجدید نظر در اساسنامه سازمان ملل متحد در ۱۹۵۵ تشکیل میگردد تضمینات و حقوق زیرین در ضمن اصلاحات دیگر برای رعایت کامل حقوق و تصمیمات متخذه در نظر گرفته شود تا از هر حیث و از هر جهت نگرانیها مرتفع گردیده و در ضمن حفظ حقوق افراد و آزادیها کمکی به تضمین صلح جهانی شده باشد.

برای تضمین حق استفاده مؤثر افراد از حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه حقوق بشر لازم است که کلیه کشورهای عضو سازمان حقوق و آزادیهای مزبور را در قوانین اساسی خود گنجانیده و کلیه قوانین داخلی هر کشوری هم که با این اصول مغایرت و تعارض داشته باشد الغاء گردد تا حمایت و ضمانت حقوق افراد بشر در مقابل تخلفات هیئتهای حاکمه تأمین گردد.

و نیز باید به سازمان کمیسیون حقوق بشر اختیارات کافی داده شود که برای احترام و توسعه آزادیهای اصلی بشری و عملی شدن حقوق مزبور بوسیله کشورهای عضو سازمان اقدام نموده و نظریات خود را در مورد درخواستها و شکایات وارده بقبولاند. و بکلیه افراد بشر حق داده شود که مستقیماً در مورد نقض حقوق خود بدادسرا و دادگاه بین المللی مراجعه نمایند و یک محکمه جزائی بین المللی هم برای قضاوت و جلوگیری جرائم مرتکبه نسبت به حقوق بشر و یک دادسرای بین المللی هم برای تعقیب این قبیل تخلفات تأسیس گردد تا بوسیله دادستان و یا دادیاران بین المللی جرائم و تخلفات مرتکبه بر طبق مجموعه مقررات جزائی بین المللی که در دست تهیه است مورد تعقیب قرار گیرند.

